

نقد و معرفی کتاب





محمد المکناسی / مصتح: محمد بوکبوط
ابو جعفر اصفهانی

ادبیات حج در زبان‌های مختلف، در دنیای اسلام، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. در یکی از کهن‌ترین متون فارسی؛ یعنی سفرنامه ناصر خسرو، شاهد گزارش خواندنی سفر وی به حج هستیم. علاوه بر این، در دیوان او و دیگر شاعران پارسی زبان، از دیر باز اشعاری را که به نوعی به حج، کعبه، مکه و مدینه مربوط است می‌یابیم. بخشی از این ادبیات، مربوط به سفرنامه‌های حج است که مسلمانان طی قرون مختلف به نگارش آنها دست زده‌اند. این متون در زبان‌های عربی، فارسی و ترکی به وفور یافت می‌شود و حاوی نکات ارجمندی در ارتباط با حج، جغرافیای مکه و مدینه، شرح مسیر کاروان‌های حج و آگاهی‌های دیگری در این زمینه است. در فارسی به جز آنچه در متون جغرافیایی قدیم یا سفرنامه‌های کهن در باره حج آمده، از عصر جدید، اطلاعات چندی از دوره صفوی و پیش از آن، از دوره قاجاریه داریم. تعداد سفرنامه‌هایی که در دوره قاجار در باره حج نوشته شده، بیش از چهل سفرنامه است که به صورت نثر و نظم نگارش یافته است. در زبان عربی، سفرنامه‌های بیشتری و در زبان ترکی تعداد کمتری در عثمانی نوشته شده، اما به هر روی، در همه این زبان‌ها، این ادبیات وجود داشته است. سفرنامه‌نویسی در بیشتر این زبان‌ها تا به امروز ادامه یافته و می‌توان گفت که هر سال ده‌ها سفرنامه به زبان‌های مختلف در ارتباط با حج نوشته می‌شود.



در روزگار ما برخی از این سفرنامه‌ها به زبان‌های فرنگی هم منتشر می‌شود. شماری از آن‌ها شامل گزارش‌های روزنامه‌نگارانه است که در مطبوعات چاپ می‌شود برخی هم به صورت کتاب در دسترس اهل مطالعه قرار می‌گیرد. آنچه جالب است، چاپ سفرنامه‌های روزگاران پیش است که به صورت خطی در کتابخانه‌ها مانده و اکنون با تصحیح و تفتیح به چاپ می‌رسد. حسن این آثار در آن است که بخشی از تاریخ دوران‌های گذشته را نیز برای ما روشن می‌کند و ما را در آن فضاها به گردش در می‌آورد. یکی از آخرین این نمونه سفرنامه‌های عربی، که به تازگی انتشار یافته و مربوط به قرن هجدهم میلادی و حوزه مغرب اسلامی است، سفرنامهٔ مکناسی است. وی که سفیر مغرب در آستانه؛ یعنی استانبول بود، از راه مصر به شام آمد و از آنجا به حج رفت. نامش محمد بن عبدالوهاب المکناسی (م ۱۷۸۵م / ۱۲۰۰ هجری) است و کتابش به تازگی به وسیلهٔ محمد بوکیوط در دارالسویدی ابوظبی و المؤسسة العربیه در بیروت، ضمن ۴۲۰ صفحه به سال ۲۰۰۳ منتشر شده است. ادبیات حج حوزهٔ مغرب اسلامی نسبتاً غنی است. آنان راهی طولانی را برای انجام حج طی می‌کردند و تمام عرض آفریقا را برای رسیدن به دریای سرخ با کشتی می‌پیمودند. بسا از طریق مصر به سمت شام رفته و از آنجا عازم مدینهٔ منوره و سپس مکهٔ مکرمه می‌شدند. سفیر مغرب که حامل پیامی از سلطان مغرب هم بوده، به سمت استانبول رفته و در آنجا مورد استقبال رسمی قرار گرفته است. طبیعی است که وی به عنوان یک حاجی، با موقعیت سیاسی، دسترسی به اطلاعات دست اول و درستی در زمینه‌های مختلف داشته است. وی در دمشق نیز به زیارت اماکن مهم تاریخی؛ از جمله جامع اموی و قبور منسوب به صحابه، مانند قبر بلال حبشی رفته و از آنجا همراه کاروان دولتی عثمانی، راهی مدینه شده است. مشکلات طول راه که مهم‌ترین آن‌ها اعراب بدوی بودند، سبب شده است تا وی شرحی از آنها به دست دهد. زیارت قبر حبیب رضی الله عنه در مدینه و نیز قبور صحابه و اهل بیت در بقیع و سپس عزیمت به مکه در دنبالهٔ آن آمده است. وصف مسجد الحرام و ارائهٔ قصیده‌ای از خودش در بارهٔ مناسک حج (۲۶۸ ۲۷۹) مطالبی است که در این بخش عرضه شده است.

بخشی از این اشعار در بارهٔ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و توسل به ایشان و اهل بیت آن حضرت است:

«بجاه جبرئیل و ما به نزل علیه نحن عاکفون لم نزل و الآل و الأولاد و الأزواج فاطمة ذات

السنة الوهاج و باین عمک ابي الغصنین سیدنا الحسن و الحسين»

وی پس از حج، همراه با کاروان شام به دمشق بازگشته، در حالی که در غیاب آنان، مرض وبا در این شهر فراگیر شده بود. در این هنگام عازم زیارت قدس شریف می‌شود. زیارت قدس برای زائران ترک، مغربی و مصری بسیار اهمیت داشته، برخلاف زائران عراقی و ایرانی که علاقه‌ای به زیارت قدس نداشتند؛ چراکه در مسیرشان هم قرار نداشت. وی در بازگشت، شرحی از جزیره قبرس به دست داده و سپس در باره مسیر بازگشت، که از تونس و الجزایر بوده، اطلاعات دیگری را ارائه کرده است.

اکنون که این کتاب را شناسانیم، بهتر است چندین اثر تازه چاپ دیگر را در همین زمینه معرفی کنیم:

رحلة الی مکه، مراد هوفمان، چاپ شده در المدینة المنوره، مکتبة العییکان ۱۴۲۱
نویسنده وقتی مسلمان شد و کتاب الاسلام کبديل را نوشت و در آلمان به چاپ رسانید، گزارش سفر و زندگی خود را در آن آورد. در این نوشته از محمد اسد که او نیز یک یهودی مسلمان شده بود و کتاب «الطریق الی مکه» را نوشت، یاد کرده و مطالبی از آن آورده است.
رحلة في الجزيرة العربية الوسطی، الحماد، الشمر، القصیم، الحجاز، ۱۸۸۲ - ۱۸۷۸
شارل هوپیر، ترجمه به عربی: الیسار سعاده، بیروت، ۲۰۰۳

این کتاب یک سفرنامه فرنگی است که در سال ۱۸۸۵ میلادی در پاریس چاپ شده و این نخستین ترجمه عربی آن است که به بازار عرضه می‌شود. نویسنده از حجاز گذشته اما از مکه و مدینه دیداری نداشته است. او در باره بسیاری از راه‌ها، شهرها و کوه‌ها و بیابان‌ها آگاهی‌هایی را به دست داده و علاوه بر آن، شرحی هم در باره برخی از تحولات سیاسی آن روزگار در عربستان ارائه کرده است.

الرحلة الیابانیه الی الجزيرة العربية، ایجیرو ناکانو، ترجمه به عربی از ساره تاکاهاشی، دارة الملك عبدالعزیز، ۱۴۱۹

این اثر گزارش سفر نویسنده به بخش‌هایی از جزیره العرب در سال ۱۹۳۹ است. به زبان ژاپنی چاپ شده و چاپ عربی آن، در ضمن سلسله منشوراتی که به مناسبت یکصدمین سالگرد دولت سعودی، شامل یک صد جلد کتاب مهم تاریخی انتشار یافته، به مطالعه کنندگان عرضه شده است.



یومیات رحله فی الحجاز (۱۳۸۴ / ۱۹۳۰) غلام رسول مهر، ترجمه سمیر عبدالحمید

ابراهیم، ریاض، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۱۷

این اثر، سفرنامه حج است که به اردو نگارش یافته و به عربی ترجمه شده است. نویسنده، روزنامه‌نگاری پاکستانی بوده و گزارش روزانه سفر خویش به اماکن مقدس را نوشته است. اصل آن گزارش‌هایی بوده که وی برای چاپ در نشریه صحیفه انقلاب به کشورش می‌فرستاده است.

الارتسامات اللطاف فی خاطر الحاج إلی اقدس مطاف، (۱۹۲۹) شکیب ارسلان،

تقدیم: ایمن حجازی، ابوظبی، دار السویدی، بیروت، المؤسسة العربیه للدراسات و النشر، ۲۰۰۴ اشاره کنم که این دو ناشر، طی سال‌های اخیر ده‌ها از این دست سفرنامه‌ها را، که مربوط به کشورهای مختلف می‌شود، چاپ کرده‌اند. در باره شکیب ارسلان هم نیاز به گفتن نیست که از نویسندگان و ادیبان مشهور دوره اخیر بوده و برخی از آثارش به فارسی هم درآمده است. این سفر در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۲۹ ق. انجام شده و مسیر آن از محل اقامت آن زمان وی، یعنی لوزان سویس آغاز شده، از آنجا به ایتالیا، سپس از دریا به سمت پورت سعید و از آنجا به دریای سرخ و سپس مکه انجام شده است. وی در ایام حج بیمار شده و برای بهبودی به طائف رفته است. به همین دلیل بخش عمده‌ای از کتابش به شرح وضعیت طائف مربوط می‌شود. حجم کتاب ۳۷۶ صفحه و گزارش آن، از شهر مکه، طائف و طوایف میان راه و دیگر مسائل جاری، که مربوط به آغاز دولت سعودی بوده خواندنی است.

وی به برخی از اماکنی که به تازگی به دست وهابی‌ها تخریب شد، اشاراتی دارد که از

آن جمله بنای روی قبر عبد الله بن عباس و عکاشه بن محصن در طائف است. این اثر در شناساندن تاریخ و به خصوص جغرافیا و قبایل و مسائل حاشیه‌ای دیگر، حاوی اطلاعات بسیار عالی و تازه است. مؤلف در جای جای کتاب از اطلاعات حدیثی و تاریخی و جغرافیایی سایر کتاب‌ها بهره برده و کتاب را خواندنی کرده است.

الرحله الحجازیه، اولیا چلبی، ترجمه از ترکی به عربی: دکتر الصفصافی احمد

المرسی، قاهره، دار الآفاق العربیه، ۱۹۹۹

کمر عالم و عامی ترکیه‌ای را می‌شناسیم که با سفرنامه مفصل اولیا چلبی آشنا نباشد؛

سفرنامه‌ای که در ده جلد است و شامل بخش مهمی از جغرافیای عالم متمدن در قرن یازدهم

هجری می‌شود. به‌قدری در بارهٔ این کتاب گفته و نوشته شده که نیاز به معرفی آن نیست. بخشی از این سفرنامهٔ شیرین و خواندنی مربوط به مکه و مدینه است. عامی نویسی مؤلف و تلاش او برای ارائهٔ باورها و عقاید عامیانه در بارهٔ این اماکن، که گاه بسیار خنده‌دار و غیر صحیح است، آن را به صورت یک اثر ارزشمند در آورده است. لازم است تا در جای دیگری به تفصیل در بارهٔ این سفرنامه سخن بگویم و خواندنی‌های آن را نقل کنیم.

الحجاز فی نظر الأندلسیین و المغاربه فی العصور الوسطی، ابراهیم احمد سعید،

دمشق، الاوائل للنشر و التوزیع، ۲۰۰۴

این کتاب مروری است بر تعدادی از سفرنامه‌های حج مغربی‌ها، که ضمن کتابشان شرحی از حجاز به دست داده‌اند. سفرنامه‌ها و کتاب‌هایی که مبنای کار این مؤلف بوده، عبارت‌اند از سفرنامهٔ ابن جبیر، العبدری، ابن بطوطه، البلوی، القلصادی. وی در هر بخش، گزیده‌ای از مهم‌ترین مطالب آنان را در بارهٔ شهر مکه و مدینه و دیگر مسائل مربوط ارائه کرده و در واقع، تلخیص و تهذیب مطالب آن‌ها در بارهٔ حجاز است.

موسوعة مرآة الحرمین الشریفین و جزيرة العرب، (۵ جلد)، ایوب صبری پاشا،

اشراف بر ترجمه: احمد حرب، قاهره، دار الآفاق العربیه، ۲۰۰۴

یک مجموعهٔ پنج جلدی بسیار مفصل که از همان زمان چاپ متن ترکی آن در سال ۱۳۰۲ق. در مطبعة البحریه، استانبول اثری شناخته شده و قابل استفاده بوده است. در همان دوران قاجار، مجلدی از آن، با عنوان «مرآة الحرمین» که قسمت مکهٔ آن بود، به وسیلهٔ عبدالرسول منشی به فارسی برگردان و چاپ شد که اخیراً به وسیلهٔ آقای جمشید کیانفر تصحیح و ضمن منشورات میراث مکتوب، در تهران (۱۳۸۳) به چاپ رسیده است. اکنون متن کامل آن، به عربی برگردان شده و در پنج مجلد به چاپ رسیده است. به دلیل آن‌که نویسنده یکی از شخصیت‌های دولت عثمانی بوده و آنها با وهابیان بسیار تند برخورد می‌کردند، توزیع کتاب در حال حاضر در کشور سعودی ممنوع است. این علاوه بر اختلاف مشرب مذهبی آنها است. بی‌شک، این مفصل‌ترین اثر تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ای است که در پایان دورهٔ عثمانی تألیف شده و از هر جهت قابل اعتنا است. تألیف آن در این مقطع، سبب شده است تا مؤلف ضمن آشنایی با تاریخ‌نویسی جدید، به تحقیق و تتبع میدانی پرداخته و در عین حال از متون در دسترس نیز در تألیف آن استفاده کند.